



معراج محمدی

انتظار فرج
باعث می شود که
فرد مسلمان آنچه
در توان دارد،
به کار گیرد تا
سطح اندیشه و
آگاهی و آمادگی
روحی، جسمی،
مادی و معنوی
خود را بالا ببرد،
تا بتواند در
پیاده کردن آن
اصلاحات عمیق
و همه جانبه و
گسترش قسط و
عدل و
یکتاپرستی در
سراسر گیتی،
سهیم باشد.
کسی که خود
فاسد و ناصالح
است نمی تواند
در انتظار
حکومتی باشد که
با افراد فاسد
به شدت مبارزه
می کند

● مفهوم انتظار

با مفهوم تکاملی روحی و معنوی انسان ها گره خورده است

انتظار فرج

به انتظار زیستن و منتظرانه دین داشتن، وظیفه ای است که شریعت اسلام، از مومنان خواسته است. چشم داشتن به ظهور منجی و حاکمیت دوازدهمین امام از سلسله امامان معصوم علیهم السلام باور به تداوم امامت و عینیت رهبری دینی، در نهایت تاریخ زندگی است، نهایی دور، ولی در پیش؛ چه بسا امروز، فردا یا فردایی دیگر. عالمان دین، بر پایه احادیث معصومان علیهم السلام انتظار فرج را شاخص بزرگ دین داری در عصر غیبت دانسته اند و همواره دین داران را به داشتن و دانستن این امر مهم فراخوانده اند. رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرمایند: «انتظار فرج داشتن، برترین اعمال امت من است.»

و نیز امام صادق علیه السلام در فرمایشی به اصحاب خود فرمودند: خبر دهم شما را به چیزی که خداوند عمل بندگان را جز با آن نمی پذیرد؟ اصحاب گفتند: آری. امام فرمودند: باور به خدای یکتا و این که محمد بنده و پیامبر خداست... و چشم داشتن به ظهور قائم علیهم السلام.^۲

معنای لغوی

انتظار در لغت، به معنای درنگ در امور، چشم به راه بودن و نوعی امیدداشتن به آینده است.^۳ با مطالعه فرهنگ های لغت درمی یابیم که انتظار یک حالت روانی به همراه درنگ و تامل است؛ اما از این معنا دو برداشت می توان کرد:

۱. این چشم به راهی، انسان را به اعتزال و انزوا بکشانند و منتظر، دست روی دست بگذارند. وضعیت موجود را تحمل کند و به امید آینده مطلوب، بدون هیچ گونه تلاشی فقط انتظار بکشد.
۲. این چشم به راهی و انتظار سبب حرکت، پویایی و عمل و آمادگی وسیع تر گردد.

حال این سوال مطرح می شود که کدام یک از این دو معنا، مراد و مقصود بزرگان و رهبران دینی است؟ با مراجعه به متون روایی، مشاهده می کنیم که معصومان علیهم السلام خیلی روشن و صریح با ارائه تصویر مناسب از انتظار، روی برداشت نخست، خط بطلان کشیده اند و برای این که هرگز آن معنا به ذهن مخاطب خطور نکند، انتظار را عمل نامیده اند، آن هم برترین اعمال^۴ و یا آن را عبادت خوانده اند، آن هم محبوب ترین عبادات.^۵ اساساً این یک قاعده عقلی و منطقی است آن کس که وضعیت موجود را نمی پذیرد و تحمل نمی کند، در انتظار گشایش است و برایش آماده می شود: من انتظار امرا تها لیه.

انتظار در کلام اسلام شناسان غربی

از مهم ترین رازهای نهفته بقای تشیع همین روح انتظاری است که کالبد هر شیعه را آکنده ساخته، پیوسته او را به کوشش و جنبش وامی دارد و از نومیدی و بی تابی و افسردگی و درماندگی باز می دارد. این تاثیر چنان ملموس و کارساز بوده که اسلام شناسان غربی نیز از آن سخن گفته اند.

«هانری کربن» اسلام شناس معروف فرانسوی می گوید: «مفهوم غیبت، اصل و حقیقت غیبت هرگز در چارچوب درخواست های دنیای امروز و در معرض تفکر عمیق قرار نگرفته است، معنای این امر به نظر من، چشمه ای بی نهایت و ابدی از معانی و حقایق است. امام زمان، مفهوم اعلایی است که مکمل مفهوم غیبت است، ولی کاملاً به شخصیت امام غایب، مرتبط است، این جانب مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه ای نو و بکر، احساس و درک می کنم و چنین به فکر و دلم الهام می شود که رابطه حقیقی آن را با حیات معنوی بشر وابسته می دانم.»^۶ «ماربین» محقق آلمانی می گوید: «از مسایل اجتماعی بسیاری مهمی که سبب امیدواری و رستگاری شیعه است، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است.»^۷ «ای. ب. پتروشفسکی» تاریخ دان و ایران شناس معروف شوروی سابق در این زمینه می نویسد: «چشم به راه مهدی بودن در عقاید مردمی که نهضت های قرن سیزدهم را در ایران به پا داشتند، مقام بلندی داشته است ولی در قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی، این عقیده راسخ تر و مشهودتر گشت.»^۸

نقش انتظار بر سازندگی انسان

اعتماد به ظهور حضرت مهدی و این که سرانجام نزاع ها و جنگ ها و زحمت ها، صلح و صفا و امنیت و آسایش است، سبب می شود که انسان خود را بسازد و شرایط لازم برای قرار گرفتن در صف منتظران واقعی را پیدا کند و این افتخار نصیبش شود که یکی از زمینه سازان حکومت حضرت مهدی (عج) باشد. انتظار فرج باعث می شود که فرد مسلمان آنچه در توان دارد، به کار گیرد تا سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی، جسمی، مادی و معنوی خود را بالا ببرد، تا بتواند در پیاده کردن آن اصلاحات عمیق و همه جانبه و گسترش قسط و عدل و یکتاپرستی در سراسر گیتی، سهیم باشد. کسی که خود فاسد و ناصالح است نمی تواند در انتظار حکومتی باشد که با افراد فاسد به شدت مبارزه می کند؛ آری! اعتقاد به این که سرانجام، کره زمین از شر مستکبران و ظالمان نجات یافته و اصلاح خواهد شد و به تمام تبعیض ها و ناپساامانی ها خاتمه داده می شود، انسان را وادار می کند که خود ظلم نکند و دنبال فساد و بی بندوباری نرود و در حد امکان با آن ها مبارزه کند. انتظار فرج و ظهور مصلح کل، حضرت صاحب الزمان (عج) درحقیقت به معنای آماده باش کامل فکری، مادی و معنوی است و این جز سازندگی انسان چیز دیگری نمی باشد.

انتظار؛

لازمه ها و پیامدها

نقش انتظار در سازندگی جامعه

جامعه از انسان های مختلف با افکار، اهداف، آرزوها و رفتار و گفتار گوناگون با سطوح مختلف مادی و معنوی تشکیل می شود. هریک از افراد اجتماع از یک سو بر جامعه ای که در آن زندگی می کنند به میزان شخصیت وجود خود تاثیر می گذارند و از سوی دیگر، از جامعه تاثیر می پذیرند. این تاثیرپذیری تا حدود زیادی متقابل بوده، انکار ناپذیر است. بنابراین تغییر افکار، اهداف، رفتار و گفتار تک تک انسان ها در حد خود به منزله تغییر مکالیسم و ساختار جامعه محسوب می شود. انتظار فرج و امید به آینده ای درخشان تغییر اساسی در رفتار و گفتار انسان ایجاد می کند. پس همان گونه که انتظار فرج در سازندگی یکایک انسان ها موثر است، در سازندگی جامعه نیز که از همان انسان ها تشکیل شده، تاثیر خواهد گذاشت. اعتقاد به ظهور مصلح کل و این که زمانی می رسد که تمام ناپساامانی های اجتماعی برطرف خواهد شد و مساوات و عدالت در جامعه حاکم گشته، حقیقت در تمام صحنه زندگی جایگاه خود را بازخواهد یافت، انسان را وادار می کند که علاوه بر اصلاح خویش در جهت اصلاح دیگران نیز کوشش نماید؛ زیرا اصلاحات زیربنایی اجتماعی که انتظارش را می کشند یک عمل فردی نیست بلکه کاری است که تمام انسان های متعدد و متقی باید در آن شرکت کنند و تلاش های آنان هماهنگ و یکپارچه باشد. در یک فعالیت بزرگ و گسترده که پهنه گیتی را دربرمی گیرد، هیچ کس نمی تواند از حال دیگران غافل باشد، بلکه باید براساس مسئولیتی که به عهده هر انسان صالحی هست، هر جا ضعفی مشاهده کرد، برای اصلاح آن بکوشد و با تلاش پی گیر خود موضع های آسیب پذیر را ترمیم کند و بدین شکل با همکاری و همیاری یکدیگر جامعه ای سالم و آراسته از معنویت بسازند.

سخنی با منتظران جوان

انقلاب اسلامی آنگاه ارزش خود را نشان داد که در برابر بزرگترین قدرت های شیطانی ایستاد، با آن ها مبارزه کرد و رسالت جهانی خود را به جهانیان ارائه نمود؛ با این وصف، کسانی که فکر می کنند باید گوشه ای استراحت کنند تا امام زمان علیه السلام ظهور کند و جهان را پر از عدل و قسط نماید سخت در اشتباهند.

پیامد انتظار
۱۸

جوانان ما باید بیش‌تر از گذشته بکوشند و مبارزه کنند و این تحول و تکامل نفسی را هرچه سریع‌تر در روح و قلب خود ایجاد نمایند تا باعث تسریع در ظهور حضرت شوند؛ اما در عین حال، باید دانست که امام، حاضر است و بر اعمالمان نظارت دارد، امام پیروان خود را رها نکرده و به دست هواها نسپرده، مراقب آنهاست، اگر به آن‌ها ناراحتی برسد قلب مبارکش به درد می‌آید، اگر خون‌ریزی ناحقی در جایی صورت بگیرد، حضرت ناراحت می‌شود.

به‌راستی آیا آن‌گونه که حضرت در مقابل مشکلات و گرفتاری‌های ما دردمند می‌شود ما هم در برابر کینه‌توزی‌ها و کم‌لطفی‌هایی که در حق آن حضرت می‌شود عکس‌العمل نشان می‌دهیم؟ اگر مومنان حمیت در دین نداشته باشند و نسبت به مقدساتشان حساسیت نشان ندهند، رفته‌رفته دین از میان می‌رود. لذا امر به معروف و نهی از منکر بر همه کس واجب و لازم است و با کوتاهی در آن انواع فسق و فجور ظاهر می‌گردد. اگر جوانان ما به خود بقبولانند که امام زمان علیه‌السلام در میان آن‌ها زندگی می‌کند و شاهد اعمالشان است، رفتار و زندگی و درک و حیات آن‌ها یقیناً تغییر کیفی می‌یابد. اگر آن‌ها امام زمان علیه‌السلام را اسطوره‌ای در تاریخ به حساب آورند، اشتباه بزرگی کرده‌اند؛ چرا که امام زمان حضور دارد و هر عملی که ما انجام می‌دهیم می‌بیند و می‌شنود. روزی که ما به این اعتقاد برسیم و آن را لمس کنیم، بزرگ‌ترین جهش‌ها را در راه تکامل زندگی‌مان برداشته‌ایم و این قدم اصلی برای تسریع در ظهور حضرت است. لذا باید هرچه سریع‌تر در خود تحول ایجاد کنیم و خود آماده سازیم و به آن درجه از رشد عقلی و ایمانی و اخلاقی برسیم که توان تحمل آن وجود مبارک را داشته باشیم و بدانیم اگر به آن درجه از آگاهی برسیم، به‌طور قطع حضرت، ظهور خواهد فرمود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲
۲. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰
۳. التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۲، ص ۱۶۶
۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲
۵. همان
۶. رسالت تشیع در دنیای امروز، صص ۲۵، ۳۵
۷. سیاست اسلام، ص ۴۹
۸. در انتظار ققنوس، ص ۳۰۴



حتماً شما هم شنیده‌اید: «در آخرالزمان، گلیم خانه خود باشید؛ یعنی در خانه بمانید و در اجتماع حضور نداشته باشید»؛ «در آخرالزمان جباران و کافران بر مردم مسلط می‌شوند و زمین از فساد لبریز می‌شود»؛ «ازدواج نکردن در آخرالزمان حلال می‌شود؛ چون اگر فرد ازدواج کند، فرزندش دشمن دین می‌شود و عواقب آن برای پدر نیز باقی می‌ماند»...

روایاتی از این دست بسیار است و گاه مردم در محاورات خود به آن‌ها اشاره می‌کنند؛ حالا چند پرسش مطرح می‌کنیم؛ شاید با تأمل در آن‌ها شما بیش‌تر به نتیجه مورد نظر برسید:

۱. اگر ما بخواهیم قطعه زمینی را بخریم، ابتدا سند آن را بررسی می‌کنیم؛ چون می‌دانیم برای آن باید هزینه سنگینی بپردازیم. هزینه‌ای که با قناعت و کار فراوان، آن را به دست بدهیم، چیز زیادی از دست نداده‌ایم؛ زیرا خواهناخواه این زمین پس از نهایت ۷۰ سال با فرا رسیدن مرگ ما از دست ما خارج خواهد شد. اما عمل به یک روایت گاه به صلاح و فلاح ابدی انسان ختم می‌شود و موقعیت او را در سرای باقی رقم می‌زند؛ پس باید نسبت به سند روایت توجه بیش‌تری نشان داد و وضعیت افرادی که روایت از آن‌ها نقل شده، بررسی کرد. با این همه، آیا سند همه روایات فوق صحیح است؟ اگر اندک خدشه‌ای در سند روایات مذکور یافتیم، می‌توانیم به آن عمل کنیم؟

۲. منظور از آخرالزمان در این روایات چیست؟ آیا منظور عصر غیبت کبراست؟ آیا منظور صدسال باقیمانده تا ظهور است؟ آیا منظور دوره‌ای از تاریخ است که در آن گناه زیاد می‌شود؟ در صورتی که ندانیم در آخرالزمان زندگی می‌کنیم یا نه، چه باید بکنیم؟

۳. مضمون این روایات با بسیاری از اخبار دیگر که مردم را از عزلت و گوشه‌گیری بر حذر می‌دارد و به حضور در اجتماع سفارش می‌کند، منافات دارد؛ طبق بسیاری از اخبار، مومن فردی است که در جامعه حضور دارد و با دیگران به تعامل می‌پردازد. نماز جمعه، صله رحم، عیادت از بیمار، مضافه بامومنان، نماز جماعت و انفاق و ... از جمله سفارش‌های اسلامی است که جنبه اجتماعی دارد. با وجود این، آیا بازهم می‌توان مردم را به عزلت و گوشه‌گیری دعوت کرد؟

۴. روایات و آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر دقیقاً با این‌گونه روایات منافات دارد؛ چه این که آیات و روایات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، همگان را به حضور در اجتماع و مبارزه با فساد و منکرات و زمینه‌سازی برای اصلاح و ظهور معروفات سفارش می‌کند. از آن‌جا که امر به معروف و نهی از منکر واجب است نه مستحب و وجوب آن نیز از طرق عقلی و نقلی اثبات شده و از ضروریات دین است، آیا بازهم می‌توان به روایات گوشه‌گیری در آخرالزمان عمل کرد؟ و مگر نه این که طبق روایات، امر به معروف و نهی از منکر باعث بقای دین است؟ اگر در دوره‌های قبل به روایات گوشه‌گیری عمل می‌شد، آیا امروز از دین چیزی باقی می‌ماند؟ مگر نه اینکه ترک امر به معروف و نهی از منکر، طبق روایات، باعث نزول بلا می‌شود؟

۵. گوشه‌گیری مومنان در آخرالزمان باعث تسلط کافران بر آن‌ها خواهد شد؛ و این، طبق آیه «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً؛ خداوند راهی برای تسلط کافران بر مومنان قرار نمی‌دهد» این کار مورد پسند پروردگار نیست؛ پس تکلیف چیست؟

۶. اگر مومنان فرزنددار نشوند و بهانه آنان، روایات گوشه‌گیری در آخرالزمان باشد، به‌مرور زمان با کاهش جمعیت مواجه خواهند شد و سرانجام جمعیت کافران، که به این روایات عمل نخواهد کرد، افزون خواهد شد. آیا این به اضمحلال و شکست مسلمانان در سطح جهانی نخواهد انجامید؟ اگر دلیل فرزندارنشدن تنها دشمن‌دین‌شدن فرزند باشد، کافران به این مسئله سزاوارترند؛ مگر نه اینکه فرزندان آنان به احتمال بسیار قوی، دشمن دین خواهند بود؟

باتوجه به آن‌چه گفته شد، در برخورد با این روایات ابتدا باید سند آن‌ها را بررسی کرد. پس از اطمینان به صحت سند آن‌ها باید دلالت آن‌ها را بررسی کرد و چنان‌چه با محکمت آیات و روایات منافات داشته، باید حمل بر احتیاط کرد؛ بدین معنا که مومنان باید در آخرالزمان در انجام دادن کارها احتیاط بیش‌تری به خرج دهند نه این که از جامعه فاصله بگیرند و نسبت به سرنوشت خود در جامعه بی‌توجه باشند.